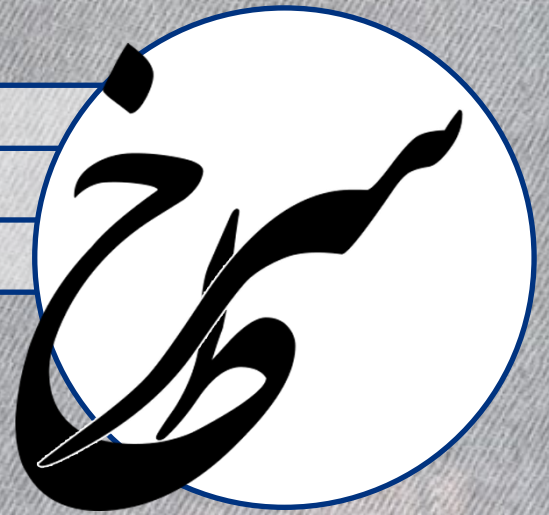




دو هفته نامه‌ی سرخط بسیج دانشجویی دانشگاه خلیج فارس

سال سیزدهم شماره‌ی ۱۴۲ نیمه اول دی ۹۹

قیمت ۳۰۰ دقیقه وقت گرامی شما



دوراهی در ستاد قیطره؛

شهادت و شیر ساهرا شدن کجا و فساد اقتصادی هفت تپه شدن کجا



SARKHAT_JOURNAL



Pguavini

وقایع،

۵ دی جنگ چهل (38 هـ.ق)

میلاد حضرت عیسی مسیح علیه السلام

سالروز تشکیل نهضت سواد آموزی به فرمان حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) (1358 هـ.ش)

8 دی شهادت حضرت فاطمة زهرا سلام الله علیها (11 هـ.ق) به روایت

9 دی روز بصیرت و یناق امت با ولایت

10 دی ولادت حضرت سجاد علیه السلام به قولی (38 هـ.ق)

13 دی ابلاغ پیام تاریخی حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) به گویا رهبر ضروری سابق (1367 هـ.ش)

روز جهانی مقاومت - شهادت انگوی خلعت و عمل سرنگار سپهبد قاسم سلیمانی به دست استکبار جهانی (1398 هـ.ش)

19 دی قیام خواجه یزدان قزوینی (1356 هـ.ش)

28 دی شهادت میرزا تقی خان امیرکبیر (1298 هـ.ش)

22 دی تشکیل شورای انقلاب به فرمان حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) (1357 هـ.ش)

28 دی فرار شاه معزوم (1357 هـ.ش)

28 دی شهادت حضرت فاطمة زهرا سلام الله علیها (11 هـ.ق)

29 دی روز غره

۱۳

دی ماه ۱۳۹۹



نشریه بسیج دانشجویی



Pguavini

SARKHAT_JOURNAL

برای ارتباط با ما، ارائه‌ی پیشنهاد و یا انتقاد از طریق فضای

مجازی با ما در ارتباط باشید

دانشکده پردیس- طبقه اول-

سمت چاپ- انتهای راهرو

شناسنامه سرخط

صاحب امتیاز	مدیر مسئول	سر دبیران	طراح	هیئت تحریریه
بسیج دانشجویی	علی عمرانی	محمد امین نورانی محمد امین هیرشکاری	سید امیر حمزه حسینی	علی بهمنی، ابوتراب، فاطمه تر از قبل، سید مهیناق هاشمی، حسین اسلامی، بهنام محمدی، محمد متین خورشیدی، شاگرد رابرت مرداگ،

فهرست

- | | | | |
|---|--------------------------------|----|----------------------------|
| ۳ | کار جریان تحریف (سر مقاله) | ۱۱ | افسانه‌ها نمی میرند |
| ۴ | قلعه‌ای بر قلعه | ۱۲ | نیودجه |
| ۵ | جهان در آینه ۲۰۲۰ (جهان اسلام) | ۱۳ | بصیرت در عصر غیبت |
| ۶ | من، پس از تو | ۱۴ | فرهنگ قسمت‌ها (ایران مدرن) |
| ۷ | حجاب اجباری | ۱۵ | گجیک خوان |
| ۸ | منهاج | ۱۶ | مکتب امام (ره) |
| ۹ | ما و آنها (فمن خانه) | ۱۶ | یک صفحه کتاب |

”

نسل سوم انقلاب را نتوانستند از انقلاب روی گردان کنند. نهم دی را همین جوان‌ها، همین نسل سوم انقلاب به راه انداختند؛ آن حادثه‌ی عظیم را به‌وجود آوردند؛ آن سیلی محکم را به‌صورت کسانی نواختند که سعی‌شان این بود مسیر حرکت اسلامی را با ایجاد فتنه منحرف بکنند

“

رهبر انقلاب - ۱۳۹۳/۱۰/۱۷



پس از سخنان مقام معظم رهبری در لزوم خنثی کردن تحریم ها، شاهد تحریف سخنان ایشان با تقطیع بودیم.

برخی روزنامه ها و خبرگزاری ها که ارتباط با مجامع بین المللی را محصور به ارتباط با دولت های مستکبر و برجام معرفی می کردند با اشاره به بخشی از سخنان رهبر معظم انقلاب مبنی بر اینکه اگر می شود تحریم ها را لغو کرد نباید یک ساعت هم تاخیر کرد، خواسته های حزبی خود که از سرگیری مذاکرات و ادامه ی پابندی به معاهده ی ننگین برجام بود را بازخوانی کردند. این در حالی ست که رهبر معظم انقلاب ضمن اهمیت لغو تحریم، بر خنثی کردن آن ها بدون امتیاز دادن به بیگانگان تاکید دارند. ذکر این حکایت خالی از لطف نیست:

شیری را در قفس انداخته و به او سوسیس کالباس می دهد

شیر می گوید: من آهو می خوردم این دیگر چیست؟!

می گویند آنقدر گرسنه می مانی تا همین را بخوری

شیر بعد از چند روز از شدت گرسنگی سوسیس را می خورد ...

چند روز بعد به جای سوسیس، جلوی اش استخوان می اندازند،

شیر می گوید: من به سوسیس عادت کرده ام، این چیست؟!

می گویند آنقدر گرسنه می مانی تا استخوان را بخوری!!

شیر بعد از چند روز از شدت گرسنگی استخوان را می خورد... بعد از مدتی به جای استخوان جلوی اش یونجه می ریزند شیر می گوید: بی انصاف ها، من الاغی که یونجه می خورد را درسته قورت می دادم. این را دیگر نمی خورم...

می گویند آنقدر گرسنگی می کشی تا یونجه را هم بخوری.

شیر مدتی مقاومت می کند ولی بالاخره یونجه را هم می خورد... مدتی بعد چیزی به او نمی دهند.

داد می زند: من به یونجه عادت کرده ام. دیگر چرا یونجه را نمی دهید بخورم؟!

می گویند یونجه ی مفت نداریم، باید صدای الاغ دریاوری تا یونجه بدهیم!!

برخی فعالان سیاسی در شرایط کنونی، تعامل با غرب را با مقوله های دیگری اشتباه گرفته اند. چیزی مثل سواری دادن، مثل خود تحریمی، مثل فروش وطن و هموطن...

متأسفانه عادت به توهم تعامل با غرب، از شیر های بیشه ی تدبیر، الاغ های در زنجیر ساخته است. چیزی که اگر سفاقت نباشد، خیانت است.

قلعه‌ای بر قله

نویسنده: علی بهمنی

بودجه نظامی کشورهای مختلف در سال ۲۰۱۹

آمریکا	۷۱۷ میلیارد دلار
چین	۱۷۷ میلیارد دلار
هند	۶۵ میلیارد دلار
آلمان	۵۳ میلیارد دلار
عربستان	۵۱ میلیارد دلار
بریتانیا	۴۹ میلیارد دلار
فرانسه	۴۸ میلیارد دلار
ژاپن	۴۷ میلیارد دلار
روسیه	۴۶ میلیارد دلار
کره جنوبی	۴۲ میلیارد دلار
ایران	۱ میلیارد دلار

با نگاهی به بودجه‌ی نظامی جمهوری اسلامی نسبت به لایحه و قانون بودجه متوجه می‌شویم سهم مخارج نظامی در ایران تنها ۳ درصد است و کمک مالی ایران به محور مقاومت نیز بخش کوچکی از این بودجه‌ی نظامی را شامل می‌شود. پولی که در برابر بودجه‌ی ۷۶۸،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دلاری آمریکا و سعودی چیزی نیست. سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی سال‌هاست با تامین مالی بسیار بالا و مشارکت کشورهای ظاهراً مسلمان، سعی در شکنندن مقاومت جبهه‌ی اسلام به محوریت ایران عزیز و مقتدر دارند که البته ناکام خواهند ماند.

در شرایط نابسامان اقتصادی کنونی، پخش اخبار هزینه‌های نظامی ایران تنها در راستای ایجاد فضای یأس و دلزدگی در کشور است. استکبار دریافته است که اگر عزم دسترسی به الموت دارد، تا اصحاب آن را با خود موافق نکند، قادر به فتح قلعه‌ای بر قله به فرماندهی حسن صباح نخواهد بود!

استعمار نوین در دنیای قرن بیست و یکم بسته به داشتن نیروی دریایی قوی، و کشتیرانی پیشرفته نیست. تهاجم‌های امنیتی به اقتصاد‌های مدرن جنگ دنیای جدید ماست. ما در این جنگ اقتصادی ضربه خورده‌ایم، و نظام سیاسی آمریکا با اهرم‌هایی مانند برجام، پالرمو، FATF، سویفت و سایر معاهدات سعی در قبضه‌ی نظام اقتصادی دنیا مطابق خواسته‌های خود را دارد. مقاومت در برابر هیمنه‌ی زنگار بسته‌ی مستکبران و پادوهای رذل‌شان به زودی به ثمر خواهد نشست و نظام سرمایه‌داری نیز در زباله‌دان تاریخ به کمونیسیم خواهد پیوست.

مقایسه‌ی بودجه‌ی نظامی برخی کشورها در سال اخیر، آمار جالبی را منعکس می‌کند. بودجه‌ی نظامی عربستان سعودی ۵۱ میلیارد دلار است و این رقم در کشورمان تنها یک میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ بوده است! این اختلاف فاحش وقتی جالب می‌شود که تعداد نیروهای نظامی و ادوات و تجهیزات جنگی، هزینه نگهداری و تعمیر در هر دو کشور را با هم مقایسه کنید.

این درحالی‌ست که در سال گذشته ایالات متحده‌ی آمریکا با ۷۱۷ میلیارد دلار پرهزینه‌ترین نیروی نظامی دنیا را به خود اختصاص داده بود. اما ماجرا وقتی جالب می‌شود که بودجه نظامی کشورهایی مانند آلمان، ژاپن و کره جنوبی را از نظر بگذرانید. به طور میانگین، هر کدام از این کشورها ۵۰ میلیارد دلار در سال صرف امور نظامی می‌کنند! سوال اینجاست، چرا این سه کشور که پس از جنگ جهانی از داشتن نیروی نظامی مستقل منع شده‌اند، باید چنین مبالغ هنگفتی را صرف امور نظامی کنند؟! پاسخ ساده است؛ دفع تهاجم‌های امنیتی که اقتصاد مدرن را هدف قرار می‌دهد!

کمی به عقب برگردیم؛ ایالات متحده که گرداگرد جمهوری اسلامی و در تمامی کشورهای مستقل (!) یا مرتجع منطقه پایگاه نظامی دارد و همچنین عربستان سعودی به عنوان گاوی شیرده و سگی پادو برای اوست، در مجموع بیش از ۷۶۸ برابر ایران بودجه نظامی دارد. این پول‌ها کجا هزینه می‌شود؟! در یمن و آذربایجان و ارمنستان؟ یا صرف تجهیز گروهک‌های تروریستی در منطقه؟!

همزمان با سالروز شهادت سردار رشید اسلام، قاسم سلیمانی، فیلم‌هایی از اشخاص مطرح در جبهه‌ی مقاومت در فضای مجازی منتشر شد. این فیلم‌ها در مورد مداخله‌ی قاسم سلیمانی در حل و فصل مشکلات محور مقاومت است که از کمک‌های مالی به نیروهای جبهه مقاومت پرده برمی‌دارد.

جهان اسلام

نویسنده: علی عمرانی



جهان در آینه ۲۰۲۰

سال ۲۰۲۰ برای تمام جهانیان نامیمون و ناگوار بود. چنان که گویی مسیح در آسمان چهارم از زمینیان ناامید شده و به سوی روح قدسی پروردگارش در پی تجميع باشد!

آتش سوزی جنگل‌های استرالیا و آغاز همه‌گیری کرونا اخباری بود که در ابتدای سال ۲۰۲۰ به جهان مخابره شد. کرونا آنقدر جنجالی و ترسناک بود که تمام رویدادهای جهان را به حاشیه برد. المپیک توکیو لغو شد و همه در قرنطینه‌ای فراموش‌نشده فرو رفتیم. آثار و خسارات کرونا کم نبوده و نیست و به جز مرگ و میر سراسری در دنیا، شاخص‌های سهام در آمریکا با کاهش بی‌سابقه‌ای روبرو شد؛ به علاوه پس از مرگ جورج فلوید زیر زانوی پلیس آمریکا، شاهد اعتراضات علیه نژادپرستی و سرمایه‌داری در این کشور بودیم. در واپسین روزهای ۲۰۲۰ نیز درگذشت اسطوره‌ی دنیای فوتبال، دیگو آرماندو مارادونا از دیگر اتفاقات شایان توجه در سالی که پشت سر گذاشتیم بود.

اما در سال میلادی اخیر، بر ایران و جبهه‌ی مقاومت چه گذشت؟! آغاز همه‌گیری با تلاش کشورهای مستکبر برای ضربه زدن به محور مقاومت و حذف فلسطین تحت عنوان معامله ی قرن همراه بود. آنها ابتدا در ۱۳ دی‌ماه ۹۸ فرمانده ارشد ایران را در عراق، ناجوانمردانه ترور کردند. یک هفته بعد، پیش از دفن پیکر سردار دل‌ها، سپاه پاسداران با حمله‌ای موشکی به پایگاه عین‌الاسد در عراق، عملیات متقابلانه‌ای انجام داد. شرایط جنگی حکم‌فرما در آن شب و ناهماهنگی در تخلیه آسمان ایران باعث بروز خطای انسانی و سقوط هواپیمای اوکراینی شد. ۱۷۶ نفر سرنشین این هواپیما مظلومانه جان سپردند. اما این تنها بخشی از پازل هزارتکه‌ی اتفاقاتی بود که در خاورمیانه‌ی ناامن باید می‌افتاد؛ در این حین امارات متحده عربی روابط خود را با اسرائیل از سر گرفت و این در حالی بود که یمن، در تقابل با عربستان، تحت وقوع فاجعه‌ی انسانی بود. قحطی در یمن بیش از کرونا جان انسان‌ها را می‌گیرد. اما معامله‌ی قرن با چراغ خاموش و در آسودگی در حال پیشروی‌ست. در انفجار بزرگ بندر بیروت که درست چند روز پس از درگیری‌های حزب‌الله با رژیم اشغالگر قدس رخ داد، به طور مشخص ردپای سرویس اطلاعاتی صهیونیست‌ها محسوس بود. درگیری‌های نظامی در شمال ایران، میان آذربایجان و ارمنستان، توهین نشریه شارلی‌ابدو به پیامبر اسلام در فرانسه و حمایت رییس‌جمهور، امانوئل مکرون تحت لوای آزادی بیان و همچنین لفاظی گستاخانه‌ی رییس‌جمهور ترکیه در مورد رود ارس، تهییج افکار عمومی در ایران را در پی داشت که تکه دیگری از این پازل هستند. آنچه مسلم است اینکه سال‌ها پیش، اذهان جهانیان برای یک همه‌گیری در کنفدراسیون چین آماده شده بود، اما دقیقا چه زمانی؟! پاسخ سال ۲۰۲۰ بود. نمی‌توان بطور قطع گفت که در پشت پرده‌ی این همه‌گیری، سوپ خفاش دخیل است یا آزمایشگاه‌های پیشرفته جنگ بیولوژیک؛ اما از تحرکات صهیونیست‌ها در فضای میدانی، دیپلماتیک و مجازی چنین برمی‌آید که آن‌ها در استفاده از شرایط رخ داده به نحو احسن در روند عادی سازی معامله‌ی قرن کوشا هستند، که البته این آخرین رمق‌های رژیم جلعلی‌ست که ۲۰ سال آینده را نخواهد دید.

تو ستون استحکام عرشی بانو! این گونه بر زمین نیفت!

برخیز؛ وگر نه آسمان بر زمین سقوط خواهد کرد. برخیز و چنین رنجور به دیوار تکیه نده که تمام عالم به تو تکیه دارد، برخیز که مولای مظلوممان تنها دل خوشیش و خاطراتش را دارد از دست می‌دهد، برخیز که حسن و حسین و زینب طاقت دوری مادر ندارند، برخیز که محسنت هنوز مادر می‌خواهد. برخیز! همه زخم هایت را پنهان کن تا دشمنان قسم خورده اسلام، آرزوی پیروزی را برای خویش به گور ببرند.

هنوز باید باشی. هنوز اسلام نیازمند خطبه های توست. هنوز مولایمان انقلاب و غیرت فاطمی تو را پشتوانه خویش می‌خواهد. برخیز و با همین نیمه جان مجروح، با همین پیکر زخم خورده در کوچه های شهر جاری شو. برخیز و حسن را در آغوش بگیر که از واهمه خاطره آن کوچه شب ها به خود می‌لرزد.

در تمام خانه های خواب برده را با نیت مهربانانه و خیر خواهانه ای که از پدر، به ارث بردی بکوب و از خواب غفلت بیدارشان کن؛ تا تنها ماندن حجت خداوند را بدانند و به پای خیزند، تا پای مال شدن وصیت و میراث رسول را سکوت نکنند. پس از تو غمگین نباید بود.

اکنون که تو رفته ای، تمام دردهایت به پایان رسیده‌اند. اینک در جوار پدر گرانقدر خود نشسته ای و بی شک، غصه هایت را سر بر دامن او از یاد می‌بری. اما اندوه من از بی تو ماندن است... از تنها شدن حقیقت بر روی این خاک گرم و در پشت انبارهای طلا و جواهری که مهر باطل بر سینه‌های مردم زمان خواهد کوفت و روزی باعث خواهد شد سری را که روزی بر دامن مادری آرام گرفته، روزی بر سر نی رفته و هتک حرمت شود، از درد دل های تلنباری که پس از تو تنها

قلب پرسکوت چاه، یارای شنیدنش را خواهد داشت. تو را پنهان از چشم‌های بخیل روزگار به خاک سپردم تا حسرت دیدار مزارت تا قیامت، دل های گنه‌کارشان را به آتش بکشد. تو را که ناموس حق بوده‌ای، دور از دست‌ها و چشم‌های نامحرم زمین دفن کردم. بگذار همه تا ابد بدانند دختر معصوم رسول خدا (ص) چنان از امت خویش در ستم بود که نخواست هیچ کس نشان مزارش را بداند.

اینک من برای روزهای بعد از این غمگینم؛ روزهایی که باید بی تو نفس کشید و سکوت کرد و خون دل خورد. من برای این دنیای ستم کار و در غفلت غمگینم که از این پس قرار است نشانه های خداوند را بر روی زمین، یک به یک بیازارند و بر گمراهی خویش بیفزایند. از این پس اندوه من ابدی است؛ تا آن زمان که به تو بپیوندم.

شانه‌ای که پس از تابوت تو خسته و غمگین به خانه باز می‌گردد، هیچ آرزویی جز ندیدن دنیا ندارد. دیگر دنیا با تمام گستردگی اش برای من تنگ است و وقتی تو را در هیچ جای زمین نمی‌توان سراغ گرفت مجال من نیست.

دیگر هیچ کس انگار در دنیا نیست؛ وقتی بین ازدحام مردم، بانوی بهشتی من حضور ندارد.

آه بانو! این کلبه محقر با تو فردوس برین بود برای من... برای من و فرزندی که دیگر طاقت نگاه‌های سوگوارشان را ندارم. وقتی که تو بودی، سفره خالی و بی رونقمان گوارا بود؛ آنچنان که گویا مائده‌های آسمانی برایمان پهن بود و گرسنگی را کنار این سفره بی نان، با شمیم بهشتی تو از یاد می‌بردیم.

بانو! هنوز زمین نیازمندت بود. هنوز گرسنگان مشتاقند که در خانه تو را بکوبند و تو افطار فقیرانه خود و خانواده ات را انفاق کنی و با لب‌های روزه دار، از خداوند بشنوی که: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»

من، پس از تو

نویسنده: ابوتراب

حجاب اجباری؟!!

نویسنده: فاطمه تراز قبل

سبک زندگی یا قانون اجباری؟!!

قانون تکلیف می‌زاید. اجبار کدام است؟! مگر می‌شود در جاده های انگلیس به اجباری بودن تردد وسایل نقلیه از چپ اعتراض کرد؟! قانون است. تکلیف می‌آورد. در هند و استرالیا، یا ولز و ایرلند و اسکاتلند هم مثل انگلستان همین قانون دایر است! ما بقی کشورها هم از راست می‌رانند! کسی در مورد اجبار حرف می‌زند؟!!

مسئله حجاب هم همین است با این تفاوت که قانون حجاب حتی در کشورهای اسلامی هم متحدالشکل نیست. در ترکیه که برای پیوستن به اتحادیه اروپا آب از دهان سیاست مدارانش جاری شده قوانین سکولاریزه، مسئله حجاب را به حاشیه برده است. کشورهای مرتجع عربی نیز برای پناه جستن به دول غربی، و همچنین سود ناشی از توریسم، قانون حجاب را تنها برای اتباع خود برقرار می‌دارند. اما در ایران قانون حجاب برای تمام زنان یکسان است. برخی التزام به حجاب در ایران را چادرمشکی می‌دانند. خیر. چادر مشکی حجاب برتر است، و این به معنی التزام تمامی زنان به آن نیست. گرچه استفاده از آن توصیه می‌شود. به علاوه همه‌ی اقوام ایرانی لباس‌های کاملاً پوشیده‌ای را برای زنان خود دارند.

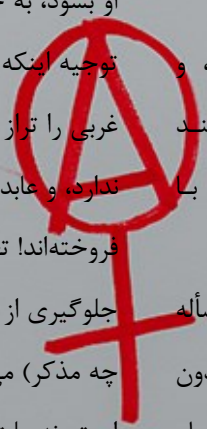
جنگ رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی، همچنین صنعت مد، و لزوم رسوخ مدهایی که ترویج دهنده‌ی نیمه برهنگی هستند سبب شده است تا جریان‌هایی مبحث قانون حجاب را با مسئله‌ی اجبار خلط کنند.

مقام معظم رهبری در این باره هشدار جدی می‌دهند: مسئله زن در واقع، بحث مبارزه با یک *ستم تاریخی* است و بدون شک *اگر این مبارزه باشتاب، خام نگری و بدون تعمق انجام شود پیروزی آن به تأخیر خواهد افتاد* بنابراین *لازم است که این کار به صورتی مستمر و در عین حال پخته و عمیق انجام شود.*

این جلسه در ۳۰ تیرماه ۱۳۷۶ (۲۳ سال و پنج ماه و سیزده روز پیش!) و با حضور نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی برگزار شده بود.

در واقع سال‌ها پیش ایشان ضمن لزوم مبارزه برای احقاق برابری جنسیتی و رفع ستمی تاریخی بر جنس زن، نسبت به رفتارهای شتابزده نیز هشدار داده‌اند، اما اهمال و سستی حوزه‌های علمیه در تبیین مبانی دین مبین اسلام، کوتاهی‌های وزارت آموزش و پرورش در تدوین سندهای آموزشی جامع نمی‌توان گذشت. نهاد فرهنگی نیز با تصمیمات و تمیزهایی که اختلاف جنسیتی را برجسته می‌کنند ضمن بی‌توجهی به این مسئله، تنها مته به خشخاش می‌گذارند و آب در آسیاب دشمن می‌ریزند.

سوا از مسأله‌ی اجبار یا تکلیف، مسأله‌ی آزادی است. برخی بر این باورند که هر کس هر طور دوست دارد بپوشد، تعبیری از آزادی‌ست! حجاب به مثابه تضاد با آزادی نیست. جنس زن به سبب ظرافت‌های احساسی نسبت به ابراز علاقه‌هایی که به او می‌شود می‌تواند در موضع ضعف قرار بگیرد. *حجاب در اجتماع* به زن این امکان را می‌دهد تا اگر بنا باشد توجهی به او بشود، به حسب زیبایی ظاهری او نباشد. برخی مذهبی‌ها در توجیه اینکه چرا حجاب لازم است، آمار تجاوزها در کشورهای غربی را تراز قرار می‌دهند. اما فساد و فحشا ربطی به پوشش ندارد، و عابدان هفتاد ساله ایمان‌شان را به یک تصمیم اشتباه فروخته‌اند! تجاوز در ایران نیز وجود دارد، و وظیفه‌ی ما جلوگیری از رخداد آن برای هر عضو از جامعه (چه مونث، و چه مذکر) می‌باشد. بی‌حجابی تنها یک مسأله‌ی زمینه ساز است، نه علت اصلی. هر کس آزاد است هر پوششی را در چارچوب قانون اختیار کند. چیزی که در قریب به اتفاق کشورهای دنیا مرسوم است.



بخشی از خطبه ۱۱۰

کارآمدترین وسیله‌ها:

امام (علیه السلام) در این بخش از خطبه از بهترین چیزی که رهروان راه حق و سالکان طریق بندگی خدا می‌توانند به آن متوسل شوند و به قرب پروردگار راه یابند سخن می‌گوید و به ده موضوع مهم اشاره می‌فرماید. نخست می‌گوید: «برترین وسیله ای که متوسلان به خدا، به آن توسل می‌جویند ایمان به خدا و پیامبر اوست.» (إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ (۱) إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، الْإِيمَانُ بِهِ وَبِرَسُولِهِ).

این تعبیر گویی اشاره به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ.» و شرح و تفسیر آن می‌باشد؛ زیرا خداوند در این آیه، نخست دستور به تقوا می‌دهد و سپس دستور به انتخاب وسیله به سوی خداوند. و به این ترتیب، منظور از وسیله، ایمان و جهاد و سایر اموری است که در این خطبه آمده است.

این سخن منافات با تفسیر دیگر آیه که وسیله را شفاعت اولیاء الله می‌شمرد، ندارد؛ زیرا همه این وسایل می‌تواند در مفهوم آیه شریفه جمع باشد.

به هر حال نخستین وسیله ایمان ذکر شده، ایمان به خدا و پیامبر. زیرا، ریشه اصلی تمام حرکت‌های سازنده و مثبت، ایمان است.

جالب اینکه در کلام امام (علیه السلام) نسبت به تمام این واجبات «ده گانه» نکته ای به عنوان تعلیل و فلسفه ذکر شده، جز مسئله ایمان به خدا و پیامبر. به خاطر اینکه این مسئله بی نیاز از ذکر دلیل است و به تعبیر دیگر: اساس و پایه تمام خوبی‌ها و نیکی‌ها ایمان است و بدون آن، هیچ گونه حرکتی به سوی فرایض الهی و واجبات دینی وجود نخواهد داشت و به

قدری این امر واضح و روشن است که نیازی به ذکر دلیل ندارد.

سپس به دومین واجب پرداخته و می‌فرماید: «و جهاد در راه او، چرا که جهاد قلّه رفیع اسلام است.» (وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ، فَإِنَّهُ ذِرْوَةُ الْإِسْلَامِ).

«جهاد» در اینجا معنای وسیعی دارد که علاوه بر جهاد نظامی و مقابله مسلحانه با دشمن، شامل جهاد علمی و تبلیغی و امر به معروف و نهی از منکر و هرگونه تلاش و کوشش مفید و سازنده برای پیشبرد اهداف اسلامی و حتی جهاد با نفس می‌شود و تعبیر به «ذِرْوَةُ الْإِسْلَامِ» «قلّه رفیع اسلام» اشاره به این است که تا جهاد همه جانبه نباشد، کاری از پیش نخواهد رفت. امام (علیه السلام) در تعبیر دیگری که در اواخر نهج البلاغه آمده است و ناظر به بیان فلسفه احکام است درباره جهاد می‌فرماید: «وَالْجِهَادُ عِزٌّ لِلْإِسْلَامِ؛ خداوند جهاد را برای عزّت و سربلندی اسلام و مسلمین قرار داده است.»

گر چه دشمنان اسلام سعی دارند با سوء استفاده و سوء تفسیر از واژه جهاد، اسلام را به خشونت متهم سازند؛ ولی از این نکته غافلند که جهاد یعنی: «تلاش برای زنده ماندن در مقابل عوامل مزاحم» در نهاد و طبیعت هر موجود زنده ای افتاده است. در درون وجود ما اگر نیروهای جهاد گر، که کارشان دفاع از سلامت انسان در مقابل هزاران هزار میکروب مزاحم، که شب و روز از طرق مختلف وارد بدن انسان می‌شود، نبودند؛ زندگی کردن حتی یک روز برای ما مشکل بود و بیماری «ایذر» که امروز خطرناکترین بیماری شمرده می‌شود، چیزی جز از کار افتادن نیروی دفاعی بدن نیست. جامعه‌ای که جهاد را از دست بدهد شبیه کسی است که به این بیماری مبتلا شده و مورد تهاجم انواع مشکلات قرار می‌گیرد.

در راه آمدن، پایش گیر کرده، به زمین خورده، دست و پایش شکسته، بلند نمی‌شود و می‌خیزد. همچنان اصرار دارد بخیزد تا مبادا از وقار بیفتد. کافی است. ۴۰۰ سال از شروع این داستان می‌گذرد. زمان خوبی است تا نتیجه‌گیری کرد. مطالعه تاریخ تا آنجا که تبدیل به هدف نشود ارزش دارد، تاریخ یک ابزار است، در کوچه پس کوچه‌های آن گم شدن، افتخاری ندارد. زن اروپایی اکنون رسیده است، به آنچه که سال‌ها زحمتش را کشید، به آنچه که دستمزد رنج‌های بی‌امانش بود، بله، او به آنچه نمی‌خواست رسید. تاریخ را از چشمان یک فمینیسم خواندیم، از یک بعد. خواندن روایت انسان، با یک لایه، به یک بعد، با یک خط، امکان‌پذیر نیست، خواندن تاریخی که انسان‌ها دست اندرکاران آن هستند نیز با یک روایت، غیرقابل پذیرش است. اما باید یک پل بزنیم بین قرن ۱۷ و ۱۹. فمینیسم، به ۳ موج اصلی پیایی می‌آید. زمانی که سوسیالیسم، پناه گاه زنان فمینیست اروپایی می‌شود و جنبش ضد برده‌داری نیز در امریکا. بقیه زنان زندگی خود را دارند، چون می‌توانند زندگی کنند.

در این اوصاف، بی‌مهری دوباره به نقش زنان، آنان را در این گروه‌ها دلسرد کرده و سرانجام، تصمیمی می‌گیرند. تصمیم می‌گیرند تلاش کنند تا مستقل از آنها به کار خود ادامه دهند. کم کم بوی جریان‌های رادیکال فمینیسم در کوچه و خیابان

های قرن ۱۹ می‌پیچد. با فراز و نشیب، آنها برای حقوقی مانند حق طلاق، مالکیت و حق رای تلاش می‌کنند.

با غلیان حوادث خونبار قرن ۱۹ و ۲۰ موج دومی شروع به حرکت می‌کند. سرانجام موج اول به پراکندگی، تضاد تفکری و نظری و... بین خود فمینیسم‌ها می‌رسد. اما همچنان و تا اکنون نیز از مواردی که فمینیسم‌ها می‌توانند به آن افتخار کنند همین موج نخست است. ولی چطور می‌توان، در دریا حرکت کرد و دریا زده نشد؟! فمینیسم به ورطه می‌افتد. به ورطه سرمایه، به ورطه خون، به ورطه من بهتر هستم، به ورطه من مرد بهتری هستم.

اگر فمینیسم تا موج نخست برای زنان تلاش می‌کرد. اکنون برای که بود؟، تنها به این قول ویلدورانت کفایت کنیم که: «کسانی که ناآگاهانه برای خانه براندازی توطئه کردند، کارخانه‌دارانی بودند که برای جذب سود بیشتر، زنان را از خانه‌هایشان بیرون کشاندند.»

این ادامه یک دومینوی شیشه‌ای است. «برای اینکه شما ارزش و جایگاه داشته باشید، باید در سناریوی ما بازی کنید، خواه دانسته یا ندانسته» این یک درخواست نیست، یک حکم است. پذیرفته شده از سوی فمینیسم، خواسته یا ناخواسته. زنان به یک کلید لامپ تبدیل می‌شوند؛ مدام روشن و

آنها

خاموش. فمنیسم آنها را خاموش می‌کند، درونشان آنها را روشن، زنان تبدیل به موجودی مستاصل و سرخورده می‌شوند. اما نمی‌توان از وقار افتاد، همچنان باید خزید. اختلاف‌ها بیشتر می‌شوند، فمنیسم در قرن ۲۰ با روی کار آمدن موج سوم، چهره‌ای فرسوده‌تر و منفک‌تر از همیشه به خود می‌گیرد، در درون، تضاد رو به رو وجود دارد، صورت در صورت، ۱۸۰ درجه اختلاف حرف. اما نتیجه آنچه شد که فمنیسم‌های گذشته نمی‌خواستند، هر چه رشته بودند، پنبه شد. آیا کماکان یک زن را انسان حساب می‌کنند؟ تا به انسان چه بگویند.

بعد ها موج‌های دیگر سربرمی‌آورند. اما دیگر آن حرارت گذشته وجود ندارد. گویا فمینیسم در یک جای تاریخ، ایستاد، برگشت و برگشت و به آنچه نمی‌خواست، رسید. اما ما، زن شرقی، زن مسلمان، زن ایرانی. نیاز، نیروی حرکت برای یافتن راه حل را می‌سازد. اما ساختن نیاز، یک جنس تقلبی است. مانند کاریکاتور است، از دور که نگاهش کنید، به هم نمی‌خورد. زن یا زن متفاوتی در جهان وجود ندارد، اگر هر موجودی احساس نیاز کند، حرکت می‌کند، پس چرا فمنیسم متعلق به مغرب زمین است؟! جوابش یک کلمه است، نیاز!!! در بحران نبود اینکه ”من چیستم و چکار باید کنم و چطور گذران عمر؟“ زن شرقی سرگردان سرگردان است. پس به دنبال چیزی می‌گردد، اگر در یک بازار، تنها یک مغازه باز باشد، می‌رود و از آن خرید می‌کند، پس زن شرقی می‌رود به سراغ غرب. حسن نیازش را با چیزی دیگری پاسخ می‌دهد. ما کیستیم؟ زن ایرانی این را پیدا نکرده است، پس به پاسخنانه های احتمالی روی می‌آورد، پس تاریخ تکرار می‌شود، بحران ها تکرار می‌شوند. اما هنوز زن شرقی نمی‌داند که چیست! شاید در انتهای این دومینو، او بداند که چه، نیست.

افسانه‌ها نمی‌میرند

نویسنده: حسین اسلیمی

اثبات توانایی پروردگار و پیامبری خود بوده است که نشان از عنصر مهم‌تری در کنار حماسه و رویدادهایی که باورشان برایمان سخت است می‌دهد.

این رویکرد در ابعاد مختلف زندگی ائمه‌اطهار و معصومین (ع) نیز مشهود است و مصیبت‌ها و داغ‌هایی که بر سر خاندان عصمت آمده‌است دست کمی از حماسه ندارند مجال آن نیست که به بررسی جنبه‌های حماسی و ... بپردازیم ولی در هیچ حماسه‌ای جنایت‌ها و اجحاف‌هایی که در حق این خاندان شده‌است را نمی‌توان پیدا کرد و نکته حائز اهمیت در بررسی این وقایع و فجایع اینجاست که اگر جنبه‌های الهی و حقانیت را در نظر نگیریم به تناقض اساسی خواهیم رسید.

لگد زدن و به آتش کشیدن در، قتل مادر پا به ماه، مسموم کردن ائمه توسط نزدیک‌ترین انسان به آن‌ها، زندانی کردن و شکنجه‌های فراوان، شکافتن فرق سر توسط شمشیر آغشته به سم آن هم در سحرگاه ماه رمضان و در خانه خدا، بستن آب بر روی زن و فرزند و خانواده معصومین، زدن تیر سه شعبه به گلوی طفل ۶ ماهه، تشنه بر لب آب رفتن و تشنه برگشتن، قطع عضو دست و پا و چشم و به دندان کشیدن مشک، قطع کردن سر کسی که شعارش آزادی بود و انسانیت و به نیزه کشیدن و جسارت‌های فراوان به این خانواده عظیم الشان روایت‌هایی هستند که به جز تداعی تحمل مصیبت و رنج و سختی ادله‌ای محکم بر حقانیت این خاندان می‌باشند.

روایت‌های گوناگون که اکثراً توسط چندین منابع و کاملاً قابل استناد می‌باشند در دسترس نسل امروز هستند و ما از رجوع به سنگ نوشته‌ها و حکاکی بر روی کوه‌ها و ... بی‌نیاز می‌سازند. مقتل‌ها بهترین روایت حادثه عاشورا می‌باشند که روایتی را برایمان نقل می‌کنند که درکش و تصورش در ظرف خیال ما نمی‌گنجد و هیچ ذهنی نمی‌تواند آن را برای خانواده

افسانه‌ها، تا زمانی افسانه می‌مانند، که روایت گر حادثه و یا روح حماسه‌ای منحصر به فرد باشند و اتفاقی مانند آن‌ها در عصر کنونی ما نیفتاده و اندکی از تصور ما به دور باشند.

افسانه‌های پهلوانی قصه‌ها و روایت‌هایی هستند که سراسر نبرد اغراق آمیز پهلوانان و قهرمانان واقعی و تاریخی یا خیالی را با صور خیال و عناصر تخیلی گاه‌به‌گاه به تصویر می‌کشند. این نوع افسانه‌ها میان اسطوره و واقعیت معلق‌اند و در ادبیات و روایات سرشار سرزمین شورآفرینان کم مانند ندارند. سمک عیار، اسکندرنامه، ابومسلم نامه، امیرارسلان، حسین کرد شبستری، حمزه نامه، حمله حیدری، سووشون، آرش کمانگیر و آریو برزن مثال‌هایی از این افسانه‌های آمیخته با عشق و عیاری است.

با ظهور اسلام در سرزمین اعراب در کنار جنبه‌های حماسی و ارق به مام وطن جنبه‌های الهی و خدایی نیز در کنار این جنبه‌ها پدیدار شد، نزاع بین ملت‌ها دیگر نه بر سر تمامیت خواهی و کشور گشایی بود بلکه نشر و گسترش دین حق الهی و صدور اسلام نیز در جنبه‌های حماسی و اساطیری نیز جای گرفت.

این مهم نه از زمان پیامبر عظیم الشان اسلام بلکه از زمان پیامبران پیشین نیز وجود داشته و نامه سلیمان نبی (ع) به ملکه سبا خود گواهی بر این مدعا است و با گذشت زمان و تکمیل رسالت پیامبران و دین واحد الهی جنبه‌های معنوی با نگرش به موضوع آخرت و جهان فانی در کنار جنبه‌های مادی قرار گرفتند.

قالیچه سلیمان، تکلم به زبان حیوانات، زنده کردن مردگان، غیبت حضرت مسیح، عصای موسی، امتناع از ارتکاب گناه و شهود طفل شیرخواره، قربانی کردن پسر، شق القمر و شافی امراض و نمونه‌های بسیار زیاد دیگر فقط سوخت جنبه‌های حماسی و دفاع از میهن و خود نبوده و بلکه مدعایی برای

نبودجه

نویسنده: بهنام محمدی

سال گذشته رئیس جمهور لایحه بودجه را که بودجه‌ی ایستادگی و مقاومت در برابر تحریم‌ها معرفی می‌کرد به مجلس تقدیم کرد. این لایحه که به زعم آقای روحانی به نفت متکی نبود پس از مخالفت‌های کمیسیون برنامه، در واپسین ماه‌های کاری مجلس رد شد! که البته بنا به شرایط اضطراری کرونا، تعطیلی مجلس، و نیاز کشور به قانون بودجه، این لایحه با حکم حکومتی مقام معظم رهبری و به ناچار به تصویب رسید. عواقب این لایحه‌ی وابسته به درآمدهای نفتی، کسری بودجه و تورم ناگهانی‌ست. دولت در این دو سال اخیر بارها با سیاست‌های ریاضتی در جیب مردم دست برده است. افزایش ناگهانی قیمت بنزین و همچنین دپو شدن کالاهای اساسی در گمرکات کشور که دلار ۳۰ هزار تومانی را به مردم تحمیل کرد از عواقب نگاه‌های سهل‌انگارانه در تنظیم لایحه‌ی بودجه بود. چنین به نظر می‌رسد که افکار سرمایه‌داری دولت به آن‌ها اجازه می‌دهد حاکمیت را در عمل انجام شده قرار داده، و معیشت مردم را گروگان بگیرند.

گویا آقای نوبخت، سخنگوی دولت، در تصریح لایحه‌ی بودجه‌ی سال پیش‌رو در مجلس، به تفکرات لیبرالی دخیل در

تنظیم این برنامه اشاره کرده

و از نمایندگان درخواست

داشته آن را بپذیرند! لازم به

یادآوری نیست که لایحه‌ی

۱۴۰۰ با کسری شدید و وابستگی

۲۰۰ هزار میلیاردی به درآمدهای

نفتی قطعا بدهی‌های کلانی را برای دولت

بعد، و تورم‌هایی شدید تر برای مردم از

طرف دولت تدبیر و امید به یادگار

باقی خواهد گذاشت.

خودش متصور شود. جنبه دردناک این روایت اینجاست که گاهی می‌دانیم در حماسه برای بهتر شرح دادن روایت از عناصر ادبی و خیال انگیز و اغراق استفاده می‌کنند اما در حادثه‌ها و ماجرای که در ظهر عاشورا گذشت تنها شک و شبهه‌ای که وارد است اینجاست که گاهی رعایت حال خواننده را کرده و از ذکر جزئیات و برخی مطالب امتناع کرده‌اند.

اکنون سرزمین شورآفرینان، دیار آرش، مهد افسانه‌ها و حماسه‌ها بعد از گذشت سالیان متمادی از افسانه‌های خود و حتی حدود ۱۴۰۰ سال از واقعه کربلا دگر بار شعار انسانیت و آزادی را در دلیر مردان و غیور سربازان خود می‌بیند و با الهام گرفتن از مولایشان حسین (ع) مردانه در برابر تیغ تیز دشمن خونین می‌ایستند و سر را فدا می‌کنند، از مقطع الاعضا شدن باکی ندارند و شهادت را در صحراها و خدمت به اسلام در خارج از مرزهای خود می‌جویند.

آری سال گذشته همین هنگام بود که حماسه و افسانه‌ای دیگر رنگ باخت و تبدیل به خاطره‌ای تلخ برای تمامی آزادگان در سراسر این کوهی خاکی شد؛ بله، سردار پرآوازه اسلام، مالک اشتر زمان خویش آسمانی شد و دعوت حق را در بهترین مرگ‌ها لبیک گفت و همان‌گونه که در افسانه‌ها نیز می‌گفتند: هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق. ولی نه عشقی زمینی و از سر هوا و هوس، بلکه عشق به عشق بازی با خالق، اربا اربا شدن قاسمی دیگر، دست جدا از پیکر علمدار سپاه حق، سر جدا از پیکری دیگر، آن هم به دست خبیث ترین و جنایت کارترین دشمن خونین آزادی و آزادی.

برای کسی که تمام عمر در حسرت و آرزوی شهادت بود بهتر از رسیدن به مروای دلش نمی‌شد چیزی را جست؛ بالاخره قاسمی دیگر؛ گرم سوختن شده‌ای. آری اینگونه پروردگارت تو را پاکیزه پذیرفت و این‌گونه حجتی دیگر بر حقانیت را برایمان نازل کرد.



بصیرت در عصر غیبت

نویسنده: محمد متین خورشیدی

«زینغ» است: ... «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْنْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ...»

(زینغ، بیماری قلبی ست، که نتیجه تکرار پاسخ‌های منفی به ندای عقل است و فرد مبتلا دیگر نمی‌تواند در مسیری که عقل آن را درست می‌داند قدم بگذارد.)

«مراد از آیات محکم، آیاتی است که در معنی آنها یک نوع صراحت و اتقانی وجود دارد که خواننده بدون تردید و اشتباه به معنای آنها پی می‌برد... اما آیات متشابه، آیاتی هستند که مقصود از آن برای شنونده روشن نیست. و چنان نیست که شنونده به محض شنیدن، معنی آنرا درک کند؛ بلکه در این که منظور چیست؟ تردید دارد و تردیدش وقتی برطرف می‌شود که به آیات محکم رجوع نموده و به کمک آنها معنای آیات متشابه را مشخص کند» (تفسیر نمونه ج ۲/ ص ۴۳۷ به بعد)

اینجاست که دیگر مقدار کمی از تقوا دیگر کافی نیست و مقداری افزون‌تری لازم است که لازمه این تقوا، جستجو و تحقیق از همین جایگاه‌ها در نظام دینی است.

به خاطر همین امام کاظم علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الْفَقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ؛ فهم عمیق دین، کلید بصیرت است» (تحف العقول، ص: ۴۱۰)

اینکه بارها به دوستان بیان شده است که باید یک مؤمن و منتظر، منظومه فکری دینی منسجم داشته باشد و الا با توجه به دسیسه‌های همیشگی دشمن، وقوع فتنه و هلاکت در آن حتمی است. از شر فتنه‌های آخرالزمان به خدا پناه می‌بریم و همان دعایی که بعد از آیه مورد بحث ذکر شده را می‌خوانیم: رَبَّنَا لَا تَزَعْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل عمران/ ۸)

همه می‌دانند که نباید در مقابل حق، از باطل طرفداری کرد و این دیگر بصیرت نمی‌خواهد بلکه داشتن مقداری تقوا کافی است.

مشکل اینجاست که در مواقعی (فردی - خانوادگی - اجتماعی و...)، حرف حقی در جایگاه باطل قرار گرفته و با حرف حق دیگری که منطقاً در جایگاه حق است، درگیر می‌شود، این همان فتنه است.

در این حال باید چشمان تیزِ عقل را به کار انداخت و حقی را که الان دیگر در جایگاه باطل نشسته است را شناخت. این یعنی بصیرت به معنی تیزبینی در تشخیص حق و باطل که البته با خود اقدام و عمل را به دنبال دارد.

همه مؤمنان و منتظران در عصر غیبت که غبار فتنه‌ها بلند است به این بصیرت - در حوزه‌های گوناگون اعتقادی، اجتماعی و... - محتاج هستند.

سؤال این است که چطور جایگاه‌ها را باید شناخت تا فریب سخن حقی که حالا به عنوان ابزاری در جایگاه باطل قرار گرفته است را نخورد؟

همانی که حضرت علی علیه السلام درباره فتنه خوارج فرمود: «كَلِمَةُ حَقٍّ يُرَادُّ بِهَا بَاطِلٌ؛ سخن حقی که قصد باطلی از آن شده است» (نهج البلاغه صبحی صالح، ص: ۸۲) یک پاسخ قرآن، آن است که باید جایگاه و رتبه‌های امور حق را شناخت و اصل و فرع بودن آنها را عمیقاً دانست. (شاید تعبیر حق ثابت و حق متغیر نیز، خوب باشد.)

از این امر در قرآن کریم، تعبیر به محکمت و متشابهات می‌شود. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ آخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ...» (آل عمران/ ۷)

در ادامه آیه می‌فرماید کسانی در فتنه می‌افتند که در قلبشان

ایران مدرن

فرهنگ بخش‌های گسترده‌ای دارد، اما ۲ تایی آنها بسیار تاثیر گذارند، صنعت سینما و کتاب. در این شماره از سینما خواهم گفت و اینکه چطور باید افسار آنرا در دست گرفت تا بتواند به قشر سرمایه‌دار که نور چشم ملت و استیت (state) است، خدمت کرد.

صنعت سینما را من در پرده‌ها یا وی‌اودی‌ها خلاصه نمی‌کنم، همان تبلیغی که ساخته شده و از تلویزیون نیز پخش می‌شود، می‌تواند نقش ایفا کند. در اینجا ۵ هدف را بیان می‌کنم، آنگاه باید رابطه این صنعت با اهداف را شرح داده و نحوه عملی سازی آنرا برایتان روشن کنم. صنعت تصویر میبایست در ۵ بخش کار کند؛ تبلیغات، تخیل، سوپاپ اطمینان، هنر و مانای میکر (پولسازی) شاید پرسید که همه اینها که پول سازی می‌کنند، اما خیر در آنچه که در ادامه خواهم گفت، هر کدام وظیفه‌ای دارند. این نکته را بگویم، که صحبت از گونه و ژانر سینما نیست و هر بخش می‌تواند هر گونه‌ای را دربر داشته باشد. بخش نخست تبلیغات است. ما وظیفه داریم هر آنچه که مردم نیاز دارند را برویشان بیاوریم، اگر نیازی دارند، آنرا با رنگ و لعاب داد بزنیم، اگر هم نیازی ندارند، آنرا برایشان بسازیم.

ببینید، بایستی دامنه تبلیغات در جهت افزایش شور و شوق در مردم باشد. بایستی مردم را ترغیب کرد که بیشتر کار کنند، بیشتر زحمت بکشند، برای هر محصول جدیدی که به بازار می‌آید، آماده بوده و آنرا بخرند. راهش همین است. بیخود فکرتان را درگیر ارزش‌ها و دیوارهای ذهنی‌تان نکنید. برای ایران مدرن این اقدامات لازم است. این دستورات اساتید ماست. قسمت بعد را حتما بخوانید.

در مقاله‌های گذشته هم‌رزم من، شرح اقتصاد را به اختصار برایتان گفت. اینکه با داشتن سرمایه‌داران میتوان ایران را مدرن ساخت، لازم است، اما کافی نیست. یک بخش مهم در این امر فرهنگ است. این قسمت خیلی حساس و خطرناک است. گروه‌های فشار هم روی آن برنامه دارند، پس من باید با احتیاط و کم به کم حرف‌هایم را بگویم. آماده باشید.

اصولا فرهنگ برای چیست؟ می‌خواهم همه را برایتان خلاصه کنم، هدف فرهنگ این است که در خدمت ما باشد، همانطور که گفته شد برای ایران مدرن باید همه را راضی نگهداشت، پس فرهنگ باید بتواند همه را راضی نگهدارد. شاید بگویید این نگاه ابزاری به فرهنگ اشتباه است و فرهنگ مفهوم معرفتی است که از ذات و بطن جامعه در گذر زمان پدید می‌آید و ...

از این حرف‌های مضخرف را بگذارید کنار، خود من هم اگر قصد داشته باشم برای مردم سخنرانی کنم، همین‌ها را با ۲ پرس اضافه برایشان سرو می‌کنم. باید دانست که چطور با این ابزار پول هم درآورد، چون

نهایت وظیفه فرهنگ این است که باید به تولید پول برسد، در غیر این صورت همان خرابه‌ای است که درویش هم در آن مکان نمی‌گزیند.

بیاییم کمی عملگرایانه‌تر وارد فرهنگ شویم،





✓ علی عمرانی @Ali74a ۱۰ اس
دومین #فاطمیه بدون #مرد_میدان:
گویا که جهان بعد تو زیبا شدنی نیست حتی
گره آخم خدا وا شدنی نیست



✓ m.haqiqi @itsmah... ۱۸۰ دسامبر
یکی از شاگردان استاد صفایی از قول ایشان
میگفت: اگر بگویند امام زمان در کوچه پشت
است و هم زمان یک نفر دیگر از مسلمانان از
من کمک بخواهد، سراغ آن فرد می روم...
چون با این کار می توان باری از دوش "امام"
برداشت...

#یا_صاحب_الزمان



✓ شهید محمد احمدی جوان @ahm... ۸۰
۹ ماه ۸۸ تجلی بصیرت امت مومن و
انقلابی در برابر کینه توزی بدخواهان ملت و
مملکت بود.
در کوتاه بینی و بن بست فکری دشمنان این مرز
و بوم همین بس، که سرویس های
اطلاعاتی شان در پی رقم زدن یک
#انقلاب_رنگی در کشوری انقلابی بودند...
#جنبش_سبز



✓ امین میرشکاری @mirshekariamin ۶۰
این حجم از تلاش و همت یه عده جوون در
مبارزه با فساد به این گستردگی اگه مغفول
بمونه مصداق بارز ظلمه و عدالت اجتماعی
جمهوری اسلامی زیر سوال میره.
این حرکت تنها و تنها نتیجه حرکت جنبش
های دانشجویی و کس دیگه ای نباید به اسم
خودش تمومش کنه.
خلاص

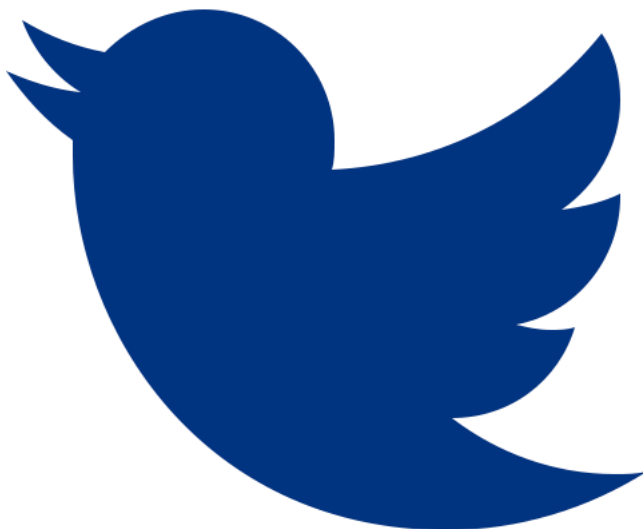
#هفت_تپه_را_آزاد_کنید
#خلع_پد_اسدیگی



✓ (بیسواط) Mahdi @Mahd_Rah ۶۰
اونی که تا دیروز هشتگ ایران را تحریم کنید
میزد، چجوری الان میخواد که واکسن
بخیریم؟!
خودت خندت نمیگیره؟



✓ اگر حسن پسرش را کنار بگذاریم
علی غریب ترین مرد طول تاریخ است
#پازهرء

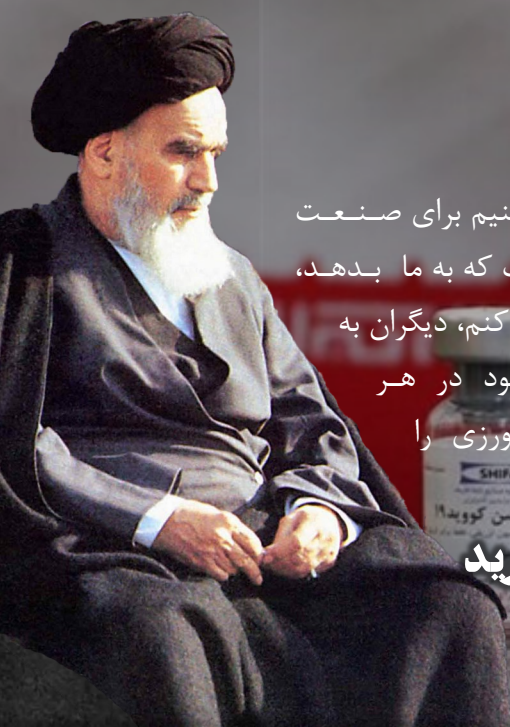


مکتب امام (ره)

آن روزی که این ملت فهمید که اگر ما جدیت نکنیم برای کشاورزی‌مان، جدیت نکنیم برای صنعت نفت‌مان، جدیت نکنیم برای کارخانه‌های خودمان، از بین خواهیم رفت و کسی نیست که به ما بدهد، وقتی این احساس پیدا شد در یک ملتی که من خودم باید هر چیز می‌خواهم تهیه کنم، دیگران به من نمی‌دهند، این احساس اگر پیدا شد، مغزها به راه می‌افتد و متخصص پیدا می‌شود در هر رشته‌ای و بازوهایی که هر عملی را می‌توانند انجام بدهند به کار می‌افتند: کشاورزی را خودشان درست می‌کنند؛ کارخانه‌ها را خودشان راه می‌اندازند.

#واکسن_بسازید / #واکسن_بخرید

صحیفه ی امام جلد ۱۴ صفحه ۱۱۴



نمی‌کنند و به طور معمول، فتنه با اشتباه، جهل، غفلت و تشابه پدید می‌آید، چه کنیم تا فتنه را بهتر بشناسیم و چگونگی فعالیت فتنه‌گران را بدانیم تا بتوانیم در مقابل آن‌ها موضع مناسب گرفته، وظیفه خود را درست انجام دهیم؟ به عبارت ساده، فتنه را چگونه بشناسیم؟ اگر فتنه شناخته شود؛ فتنه‌گر نیز شناخته می‌شود. کتاب «طوفان فتنه و کشتی بصیرت» در پنج فصل تدوین شده است که نخستین فصل آن به بررسی فتنه و امتحان الهی در قرآن و حدیث می‌پردازد. فصل دوم این کتاب عوامل، انگیزه‌ها و اهداف فتنه را مورد بحث و بررسی قرار داده است. در فصل سوم ماهیت فتنه‌گران و چگونگی شکل‌گیری فتنه‌های اجتماعی بررسی می‌شود. بررسی راهبردها و رویکردهای فتنه‌گران و همچنین وظایف مومنان در برابر فتنه‌های اجتماعی در فصل‌های چهارم و پنجم این کتاب تبیین شده است. این کتاب که بخشی از سخنان مرحوم آیت الله مصباح است، بعد از فتنه ۸۸ در دفتر مقام معظم رهبری در جمع طلاب حوزه علمیه قم و سایر اقشار مردم بیان شدند. هدف اصلی از نگارش این کتاب تبیین دقیق مفهوم فتنه و تشریح فتنه‌های اجتماعی طرح شده است.



طوفان فتنه و کشتی بصیرت

نویسنده: مرحوم آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

ناشر: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

امیر المومنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «ان الفتن اذا اقبلت و اذا ادبرت نبهت... فتنه‌ها در آغاز پیدایش، شبهه و اشتباه پدید می‌آورند.» یعنی فتنه شفاف نیست و توأم با شبهه‌ها و ابهام‌هاست و مردم را به اشتباه می‌اندازد. فتنه خود را نشان نمی‌دهد. فتنه‌گران نیز دست خود را رو نمی‌کنند و نمی‌گویند که ما در پی فتنه‌گری هستیم. اکنون که آنان خود را معرفی